

#### یادداشت

#### نمایشگاه کتاب و تفسیر امر و اسپاری



هادی حسینی نژاد

روزنامه نگار

تقریبا یک هفته پس از برگزاری سی وسومین نمایشگاه کتاب تهران، آخرین نشست خبری این رویداد، یکشنبه هشتم خردادماه برگزار شد و یاسر احمدوند، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این نشست، به بیان توضیحاتی درباره نمایشگاه و برخی از سیاست‌های دولت در بخش کتاب پرداخت. او در بخشی از سخنانش، به مسأله واسپاری برگزاری نمایشگاه به اصناف – که در دو دولت قبل، در دستور کار وزارتخانه قرار گرفته بود- اشاراتی داشت. به نقل از ایبنا (رسانه رسمی معاونت و خانه کتاب) احمدوند در این‌باره گفت: «در برگزاری نمایشگاه کتاب سی وسوم در دو بخش سیاست‌گذاری و اجرا همکاری حداکثری، ناشران و صنف بهره‌مند بودیم. اگر منظور از واسپاری، برگزاری همه امور نمایشگاه از سوی صنف است، باید بگویم (در) صنف توان اجرایی و مالی برای برگزاری این رویداد وجود ندارد.» البته جریان واسپاری در دوره‌های قبلی نمایشگاه، با سپردن مدیریت بخش‌های مختلف به اتحادیه و تشکل‌های نشر، پیش می‌رفت؛ درحالی‌که وزارت ارشاد همچنان خود را موظف به تأمین هزینه‌های برگزاری از محل بودجه وزارتخانه از ردیف «حمایت از فعالیت‌های فرهنگی، کتاب، کتابخوانی و ارتقای فرهنگی عمومی» می‌دانست، اما این جریان در دولت جدید، با انتصاب مدیران ارشاد به عنوان مدیران کمیته‌های اجرایی، متوقف ماند و با این حساب، اشاره معاون امور فرهنگی به بهره‌مندی از همکاری حداکثری ناشران و صنف، احتمالا در حد پیشنهاد و مشاوره بوده است. هرچند که او در ادامه بیان کرد: «تأکید ناشران نیز نشان می‌دهد، رفتار فعلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با صنف، شیوه مطلوبی است.»؛ ولی تجربه ثابت کرده اتکا به نظر سنجی‌هایی از این دست که مجری و متصدی، خود آن را تهیه می‌کند، جای تامل و بررسی دارد. در ادامه اما؛ اشاره رئیس نمایشگاه به فقدان توان اجرایی و مالی در اصناف نشر، این سوال را به ذهن متبادر می‌کند که اگر فرض این توان وجود داشت، آیا برگزاری نمایشگاه را به صاحبان و نمایندگان اصناف نشر می‌سپردید؟ ظاهرا پاسخ منفی است؛ چراکه احمدوند در ادامه تصریح کرد: «سیاست‌گذاری حوزه حاکمیتی است.» و البته افزودن این توضیح که «اما در اجرا از ظرفیت‌های بخش خصوصی باید استفاده کرد.» را نیز احتمالا نباید چیزی فراتر از حد همان پیشنهاد و مشاوره دانست، اما به‌نظر می‌رسد در این اظهارات، تکیه اصلی بر مفهوم «سیاست‌گذاری» باشد. این عبارت، مشخصا معطوف می‌شود به سیاست‌های الزام‌آوری که مرجع و محتوای آن قانون اساسی باشند؛ بنابراین باید از افزودن بار معنایی غیر شفاف به آن پرهیز شود. اولاً، در حوزه برگزاری نمایشگاه کتاب (یا هر نمایشگاه دیگری)، هیچ قانونی دال بر این نیست که اجرای آن – چه جزئی و چه کلی – بر ذمه دولت است. حال آنکه اصل ۴۴ قانون اساسی که بارها در سطوح مختلف حاکمیت و حکومت بر اجرایی شدن آن تأکید شده، به مسأله «خصوصی‌سازی» نظر دارد. ثانیا؛ چه ارتباطی می‌تواند بین سیاست‌گذاری و برگزاری نمایشگاه کتاب از سوی دولت وجود داشته باشد؟ یا «برگزاری» نمایشگاه کتاب تهران، یکی از مصادیق سیاست‌گذاری است؟ و این بدان معنی است که بخش خصوصی نمی‌تواند برگزارکننده یا اداره‌کننده آن باشد؟ مسأله دیگری که باید به آن توجه داشت، گرایش مفاهیمی چون «سیاست‌گذاری» به مفهوم «تصدی‌گری» است که همواره از آن به عنوان یک آسیب جدی یاد می‌شود. سوال اینجاست که برگزاری مستقیم، تام و تمام نمایشگاه از سوی مجری دولتی، در قالب «تصدی‌گری» معنا می‌یابد یا «سیاست‌گذاری»؟ آیا این رویه، به تحقق مفاهیمی چون «نهادگرایی» دامن نمی‌زند؟ برای روشن تر شدن این مفاهیم و مرزبندی‌های موجود، اشاره به بخشی از مقاله حسن شیرازی، دکتري سیاست‌گذاری عمومی دانشگاه تهران که با نام «تنظیم‌گری به‌جای تصدی‌گری در سیاست‌گذاری» که در سال ۱۳۹۸ در فصلنامه دولت‌پژوهی (مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال پنجم، شماره ۲۰) منتشر شده و اتفاقا مطالعه‌ای موردی در موضوعی مشابه واز جنس فرهنگ، یعنی «تعامل نهاد کتابخانه‌ای عمومی و بخش کتابخانه‌های شهرداری تهران» است، خالی از لطف نیست: «رویکرد نهادگرایی تصریح می‌نماید که نهادها همواره در پی بزرگ کردن خود هستند. آنها به دنبال یافتن بهانه‌هایی برای بقا و توسعه خود بوده و این امر ممکن است نهادها را از اهداف اولیه‌ای که برای آن به وجود آمدند، دور کند. چنین امری را به‌وضوح می‌توان در فرهنگ اداری ایران مشاهده نمود؛ جایی که تصور ناشفاف در پس ذهن مدیران به این اشاره دارد که یک نهاد هر چه فره‌تر و تخصصی‌بودجه بیشتری داشته باشد، مهم‌تر و کلیدی‌تر است. این امر با تجمع کارکردهای متفاوتی همچون سیاست‌گذاری، اجرا و نظارت در یک نهاد، ارتباط دوسویه دارد که نکته اخیر به تصدی‌گری ختم می‌شود. به عبارت واضح‌تر، سیاست‌گذاری و نظارت، شأن و جایگاه قانونی برتری را به نهاد می‌بخشد و اجرا، موجب‌اجد بودجه و بزرگ کردن بدنه سازمان را فراهم می‌آورد. تجمع این دو اگر چه نهاد را به یک بازیگر مهم تبدیل می‌نماید؛ اما آنچه در نهایت به عنوان خروجی برجامی ماند، ناکارآمدی، کندی، عدم شفافیت و در یک کلام، تحقق نیافتن اهداف است.»

#### چهارشنبه

۱۱۰۰۳۰۱۴

۱۰ ذی‌القعدة ۱۴۴۳ / ۱۰ جولای ۲۰۲۲

سال پنجم

شماره ۱۲۸۹

مریوان حلبچه‌ای در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

## نویسندگان کرد در مسیر جهانی شدن

◀ ترجمه‌های تازه‌ای از «بختیار علی» در صف انتشار



**آرمان ملی** – بیتاناصر: مریوان حلبچه‌ای، یکی از مترجمان شناخته‌شده ادبیات کردی در کشورمان است. او ترجمه‌را از سنین نوجوانی آغاز کرده وداستان‌ها و شعرهای زیادی را از فارسی و کردی به یک‌دیگر ترجمه کرده است. از نظر حلبچه‌ای، ادبیات داستانی نویسنده‌گان کرد در دهه‌های اخیر، رشد قابل توجهی داشته و به‌همت برخی از نویسندگان سرشناس کرد، مسیر جهانی شدن را می‌پیماید. او، ویژگی‌های ادبیات کردی را به ویژگی‌های شخصیتی مردم کردستان عراق پیوند می‌زندومی‌گوید: «زیستن مدام درون تراژدی و تجربه چندین قرن مبارزه و مقاومت برای رسیدن به یک زندگی شرافتمندانه و آبرومند، از انسان کرد موجودی سخت‌کوش و پر تلاش ساخته است تا با تمام تلخی‌ها و سختی‌های زندگی، همچنان امیدوارانه چشم به آینده داشته باشد.»

معاصر گُرد عراق داشته است؟

بی‌گمان چندین نسل از شاعران و نویسندگان کرد، تحت تاثیر نویسندگان و شاعران عرب بوده‌اند، زیرا هم ادبیات کلاسیک عرب و هم ادبیات معاصر آن در سطح خاورمیانه و حتی فراتر از آن، ادبیات درخشانی است. می‌توان این تاثیر را به ویژه در دهه ۶۰ میلادی و از طریق مجلاتی که در لبنان و بغداد چاپ می‌شد، بر آثار شاعران کرد مشاهده کرد.

◀ ادبیات کردی، قدمت و پیشینه زیادی دارد. گستره استفاده از این ادبیات در میان کردهای ایران، عراق، ترکیه و سوریه با فرهنگ‌ها و رسوم مختلف، استفاده از زبان‌های عربی، ترکی و فارسی به عنوان زبان دوم در میان کردها، زنده و فعال بودن زبان کردی و مهاجرت گُرد زبان‌ها به کشورهای اروپایی چه نقش و تاثیری در میل به جهانی شدن آثار نویسندگان گُرد زبان‌ها به‌همراه داشته است؟

شکی نیست که مهاجرت نویسندگان گُرد زبان به مغرب زمین، تاثیر بسیار زیادی در جهانی شدن ادبیات کرد داشته است؛ به ویژه در چند دهه اخیر که نویسندگان کرد، حضور فعال‌تری در مراکز رخدادهای بین‌المللی، نمایشگاه‌های جهانی کتاب و کنگره‌های ادبی جهانی داشته‌اند. در این میان، نویسندگان کرد جایز متعددی دریافت کرده‌اند که از آن جمله می‌توان به جایزهای دریافت‌شده توسط بختیار علی و شیر کو فتاح اشاره کرد. همچنین تبادل فرهنگی و زبانی بین کردها و ملت‌های همجوار و همچنین، تعاملات اجتماعی بین آنها، تاثیرات چشمگیری بر نویسندگان کرد داشته است.

◀ ترجمه آثار در حوزه شعر حساسیت‌ها و چالش‌های مختص به خود را دارد. شما برای روان بودن و قابل فهم بودن مفاهیم در ترجمه شعرهای کردی به فارسی چه می‌کنید؟

آشنایی من از کودکی با شعر کردی و فارسی و عشق بسیار به ادبیات این دو زبان کمک شایانی به من کرده است تا در ترجمه شعر بتوانم آثاری را ترجمه کنم که روان قابل قبول باشد و روح شعر شاعر را از زبان مبدا به زبان مقصد به درستی منتقل کند. من از نوجوانی ترجمه‌را از زبان کردی به فارسی و برعکس آغاز کردم و بیش از دو دهه است کار ترجمه را انجام می‌دهم.

◀ ترجمه شعر چقدر از ترجمه داستان متفاوت است؟

من فکر می‌کنم ترجمه شعر، سخت‌ترین نوع ترجمه است؛ هرچند که تجربه و زیست در جهان هر دو زبان و ارتباط عمیق و نزدیک با شاعران هر دو زبان و گفت‌وگوی مداوم با آنها، به من کمک شایانی در این راه کرده است. ناگفته نگذارم، من با بیشتر شاعرانی که شعرهایشان را از زبان کردی به فارسی یا از زبان فارسی به کردی ترجمه کرده‌ام، ارتباط نزدیک دارم و بارها با آنها درباره اشعارشان به گفت‌وگو پرداخته‌ام تا در ک بهتری از شعرهایشان داشته باشم و بتوانم به خوبی و با دقت و صحت هر چه بیشتر، شعرها را به زبان مقصد انتقال دهم.

◀ به نظر شما مهم‌ترین ویژگی و خصیصه آثار ادبیات گُرد چه هستند؟

ادبیات کردی مثل ادبیات به هر زبان دیگری ویژگی‌های خاص خود را دارد. انسان کرد عراقی خرافقای طبیعی و محیط فرهنگی خاص خود را دارد که حتی شبیه کشورهای همجوار خود نیست. زیستن مدام درون تراژدی و تجربه چندین قرن مبارزه و مقاومت برای رسیدن به یک زندگی شرافتمندانه و آبرومند، از انسان کرد موجودی سخت‌کوش و پر تلاش ساخته

## ادبیات

است تا با تمام تلخی‌ها و سختی‌های زندگی، همچنان امیدوارانه چشم به آینده داشته باشد، چنان که در دیدگاه شخصیت‌های رمان‌های بختیار علی، مانند موسا بابک، دالیا سراج الدین، اسحاق زرین لب، سرباس صبحدم، پروانه می‌بینیم.

◀ همان‌طور که خودتان هم اشاره کردید، بخشی از فعالیت شما به ترجمه از فارسی به کردی اختصاص دارد. کمی در این باره توضیح دهید و اینکه این کار، چه ویژگی‌ها و ملزوماتی را می‌طلبد؟

همواره کار مترجمی که فقط از یک زبان به زبان دیگر ترجمه می‌کند، ساده‌تر است از مترجمی که این مسیر را به صورت رفت و برگشتی می‌پیماید. من در نوجوانی، نخست کار سخت‌تر را انتخاب کردم، یعنی ترجمه از زبان مادری به زبان فارسی و سپس از فارسی به زبان کردی. به معنای دیگر؛ من از آغاز راه دشوار تر را برگزیدم و همین امر سبب شده است که هر دو زبان در من درونی شود. همچنین، من این شانس را داشتم‌ام و دارم که در هر دو سرزمین درس بخوانم زندگی کنم و ارتباط تنگاتنگی با شاعران و نویسندگان و اهل قلم هر دو سرزمین داشته باشم. مترجم باید هر دو زبان و هر دو فرهنگ را عمیقاً بشناسد و فراز و فرودهای آن را زیسته باشد. در واقع، تنها دانستن دو زبان به تنهایی کافی نیست و مترجم بایستی دغدغه اصلی‌اش شناخت بیشتر تاریخ اجتماعی و فرهنگی دو کشور و جریان‌ها و اتفاقات مهم فرهنگی و اجتماعی آنها باشد.

◀ با توجه به ارتباط و دوستی شما با برخی از نویسندگان و شاعران مطرح گُرد زبان، جایگاه ادبیات ایران را در میان فعالان ادبی گُرد زبان چگونه ارزیابی می‌کنید؟

باید بگویم ادبیات کلاسیک فارسی جایگاه شایسته‌ای در کردستان عراق و میان شاعران و نویسندگان گُرد زبان دارد. این ارتباط و علاقه به چند قرن پیش برمی‌گردد که البته در دوران معاصر بسیار جدی‌تر و تنگاتنگ تر شده است. اما هنوز جای کار بسیار بیشتری دارد که خیلی فراتر از تلاش‌ها و کوشش‌های فردی است.

◀ در این زمینه چه پیشنهادی دارید؟

به نظر من باید کانون‌های ادبی و انجمن‌های فرهنگی، در این مسیر تلاش‌های بیشتری انجام دهند. به عنوان نمونه، موسسه فرهنگی ادبی فرهنگی گلاویژ ۲۵ سال است که در این زمینه کوشش‌های فراوانی داشته است تا ادبیات و ملت‌های خاورمیانه را به یک‌دیگر نزدیک‌تر کند و در این راه، با برگزاری ۲۵ دوره فستیوال بین‌المللی و اهدای جایزه به شعراء، نویسندگان و منتقدان جهانی -از جمله ایرانی- مانند سیدعلی صالحی، علی‌اشرف درویشیان، محمدرضا اصلائی و...- نقش بسزایی در والایش فرهنگ منطقه ایفا کرده است.

◀ آیا در حال حاضر مشغول ترجمه اثر خاصی هستید؟ کتابی در دست انتشار دارید؟

رمان «رویای مردان ایرانی» از ماردین ابراهیم، رمان «تصاحب تاریکی» از بختیار علی، رمان «سقوط آسمان‌ها» از جبار جمال غریب و منتخبی از اشعار «رفیق صابر» و دفتری از بهترین عاشقانه‌های شیر کو بی‌کس در نوبت چاپ هستند. همچنین در حال حاضر مشغول ترجمه رمان جدیدی از بختیار علی هستم که هنوز به زبان کردی چاپ نشده است. این رمان را مشابه آثار قبلی بختیار علی، فصل به فصل از نویسنده دریافت کرده و ترجمه می‌کنم. به این امید که متن فارسی و کردی آن به‌طور هم‌زمان چاپ شود.

◀ در این گفت‌وگو، چند بار به آثار و جایگاه ادبی بختیار علی اشاره کردید که مخاطبان ایرانی او را به رمان‌هایی چون «آخرین انار دنیا» شناخته‌اند. کمی بیشتر درباره او ویژگی‌های ادبی آثارش توضیح دهید.

بختیار علی در ابتدا در دنیا، با رمان «غروب پرینا» شناخته شد. بعد رمان «آخرین انار دنیا» و پس از آن «شهر موسیقیدان‌های سپید» و «دریاس و جسد‌ها»، یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های رمان‌های بختیار علی، رئالیسم جادویی خاص خود اوست. نه کاملاً شبیه رئالیسم جادویی آمریکای لاتین است و نه شبیه نمونه اروپایی آن. بیشتر برگرفته از افسانه‌ها و اسطوره‌های مشرق زمین است. وقتی آثار این نویسنده را می‌خوانیم پی می‌بریم که تا چه اندازه سطر بر فرهنگ کهن منطقه و داستان‌ها و اسطوره‌های این کهن‌تک است. شعر بختیار علی هم مانند رمان‌هایش منحصر به فرد است. اشعار وی متأثر از اندیشه‌های فلسفه انتقادی ست که به شکل شعر منثور بیش از سه دهه از سوی مخاطبان و علاقه‌مندان به شعر خوانده می‌شود و مورد ستایش منتقدین قرار گرفته است. همچنینکه آثار نظری ایشان نیز در دنیا، از جمله کشور آلمان مورد استقبال زیادی قرار گرفته است. بختیار علی، نویسنده‌ای است که در چندین حوزه مهم مانند رمان، نقد، شعر، تئوری و نقد سیاسی اجتماعی فعالیت دارد.

◀ کمی هم درباره آخرین ترجمه‌ای که از بختیار علی داشتید بگویید؛ از «شهر موسیقی‌ان‌های سپید». آیا رمان تازه‌ای که از این نویسنده در حال ترجمه‌هستید، یعنی «سقوط آسمان‌ها» هم چنان فضای دارد؟

«شهر موسیقیدان‌های سپید» تا پیش از رمان «تصاحب تاریکی»، شاخص‌ترین و مهم‌ترین رمان بختیار علی بود. این رمان برنده جایزه نیلیزاکس است که مهم‌ترین جایزه آلمان و یکی از مهم‌ترین جوایز دنیاست و پیش‌تر رمان نویسندگان بزرگی مانند الیاس کانتی و میلان کوندرا آن را دریافت کرده‌اند. «شهر موسیقیدان‌های سپید» مثل دیگر آثار بختیار علی، در ژانر رئالیسم جادویی نوشته شده که در کشور آلمان بسیار مورد ستایش قرار گرفته. منتقدان آلمانی، آن را با شاهکارهایی از توماس مان و گوته گراس مقایسه کرده‌اند و حتی به این نکته اشاره کرده‌اند که این اثر، چیزی فراتر از آن‌هاست و دلیل این خاص بودن، شرقی بودن خود بختیار علی است. این رمان به نقش هنر و زیبایی در دوران جنگ و زندگی هنرمندان در روزگار تلخ جنگ اشاره دارد؛ اینکه انسان چگونه می‌تواند در روزگار دورخی جنگ، با وجود بی‌عدالتی و سرگردانی و آوارگی، انسان باشد. در این رمان، به‌طور مفصل به اهمیت هنر و جایگاه آن در بین ملیت‌های ایرانی پرداخته شده است. همچنین این رمان، درباره نسل‌کشی کردهای عراق -موسوم به انفال- نیز است که در سال ۱۹۸۸ میلادی در چند عملیات جداگانه به فرماندهی «علی شیملایی»، پسر عوی صدام حسین انجام شد و بیش از ۴۰۰۰ روستای کردستان عراق را با خاک یکسان کرد. در ادامه این جنایت، ۱۸۲ هزار زن و کودک و مرد و سالخورده به جنوب عراق انتقال یافتند و در آنجا زندبه‌گور و کشته شدند. اما رمان «تصاحب تاریکی» که شاخص‌ترین رمان بختیار علی است، فصل به فصل از سوی خود نویسنده برابرم ارسال و پایان رمان آن توسط نویسنده با ترجمه فارسی آن هم‌زمان شد. خوشحالم که این شاهکار بزرگ توسط نشر ثالث چاپ می‌شود. این اثر نیز در ژانر رئالیسم جادویی است و اولین رمان نویسنده به حساب می‌آید که به‌طور کامل در یک سرزمین معین و مشخص؛ یعنی کشور ترکیه اتفاق می‌افتد. این رمان درباره فاشیسم و تبعات آن است. همچنینکه «شهر موسیقیدان‌های سپید» درباره فاشیسم در عراق بود، «تصاحب تاریکی» هم در مورد فاشیسم در ترکیه و انکار هویت کرد، ارمنه و یونانی‌ها در آن سرزمین است.

## چه اتفاقی برای افتاد؟

کشتی زندگی‌مان عمل می‌کنند و مسیر و آینده ما را تعیین می‌کند. در پشت جلد کتاب آمده است: کتابی که پیش رو دارید مناسب هر مادر، پدر، شریک زندگی یا فرزندی است که آسیب روحی را تجربه کرده است. اگر تا به حال برچسب‌هایی به شما زده‌اند و دیگران شما یا افراد مورد علاقه‌تان را «مهر طلب»، «خودپیرانگر» و «مخل»، «بی‌تکند» و «حواسرط»، «بی‌حوصله»، «دلسرد»، «توان در نگهداری شغل» یا «افتتاح در روابط» توصیف می‌کرده‌اند یا اگر فقط می‌خواهید خودتان و دیگران را بیشتر درک کنید، پس این کتاب مناسب شماست.

«چه اتفاقی برای افتاد؟» در سراسر جهان مورد استقبال حجم قابل توجهی از خوانندگان قرار گرفته است و پیشنهاد شده در کتابخانه هر فردی جایی برای خود داشته باشد. این کتاب نوشته اپرا ویفتری و دکتر بروس دی پری با ترجمه مریم نفیسی‌ارد به همت انتشارات نسل نواندیش در ۳۶۰ صفحه مصور با تیراژ ۵۰۰ جلد و قسمت ۱۲۹۹۰۰ تومان، در سی‌وسومین نمایشگاه کتاب تهران ۱۴۰۱ رونمایی شد.



در این کتاب، اپرا یکی از نفوذترین زنان جهان با دکتر پری روانکاو، روان‌پزشک و عصب‌شناس درباره این‌که چرا پرسیدن این سوال پایه «چه اتفاقی برای افتاد؟» در درک این‌که چرا کارهایی را انجام می‌دهیم که انجام می‌دهیم، یک انقلاب به شمار می‌آید، گفت‌وگو کرده‌اند. زیرا آن‌ها طبق گفته خودشان، قانع شده‌اند که پاسخ سوال «چه اتفاقی برای افتاد؟» به ما کمک می‌کند تا بیشتر این موضوع را درک کنیم که تجربه‌های ما -چه خوب، چه بد- چگونه رفتار و آینده ما را شکل می‌دهند. این کتاب حاوی داستان‌های شخصی از جمله داستان‌ها و تجرباب اپرا در رابطه با آسیب‌روحي نیز است که با عصب‌شناسی ترکیب شده و به مخاطبان کمک می‌کند.

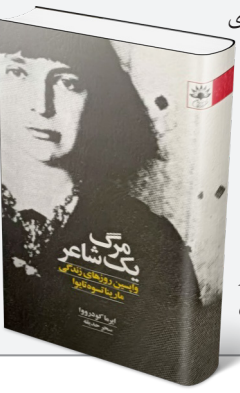
علت اینکه دکتر بروس دی پری و اپرا به آسیب‌های روحی پرداخته‌اند این است که آسیب‌های روحی نقش بسزایی در تشکیل جهان بینی ما دارند و عللاً سکان هدایت زندگی‌مان را به‌صورت ناخودآگاه به‌دستشان داده‌ایم. بروس دی پری با رویکرد علمی اما قابل فهم برای عموم افراد با مدل مغزی مثل برعکس مغز، به این مقوله می‌پردازد که تجارب کودکی چگونه به عنوان ناخدا ی

## مرگ یک شاعر

برای خورد و خوراک پسرش و گاه‌به‌گاه فرستادن بسته‌ای به دختر و همسرش در اردوگاه و چند ساعت در روز فرصت نوشتن. (آخرین خط‌های شعرش را کی نوشت؟ یا بدست‌کم آخرین جمله در دفتر خاطرات روزانه‌اش؟ «از نوشتن دست می‌کشم و از بودن.» «قاعده‌ای را که به نظر جمله مرگ می‌آید، سال ۱۹۴۰ در دفتر کارش یادداشت کرد.) همیشه خودش را بازمانده می‌نامید. او آن قدر قدرت داشت که در مقابل تمام مأموران امنیتی جهان و تمام مشکلات مقاومت کند، اگر و فقط اگر دو تکیه‌گاه اصلی هستی‌اش را از او نگرفته بودند. روز ۳۱ آگوست او به قلمروی آزادی قدم گذاشت. آیا آن روز صبح تسوه‌تاووا به خاطر داشت یک‌سال پیش در همین روز ۳۱

آگوست در کمیته مرکزی حزب بود؟»

ما ری‌ا یو‌ا‌نوتا تسوه‌تاووا، شاعر و نویسنده روس، ۳۱ اوت ۱۹۴۱ مدتی پس از آن‌که همسرش به جرم خیانت تیرباران شد، با حلق آویز کردن خود از سقف خانه‌اش در یلا‌بوگا به زندگی‌اش پایان داد. وی یکسال پیش از آن نوشته بود: «آنچه من می‌خواهم نبودن است، نه مردن.» کتاب «مرگ یک شاعر» با شمارگان ۳۰۰ نسخه، به‌قیمت ۹۵ هزار تومان و در ۳۴۰ صفحه منتشر شد.



کتاب «مرگ یک شاعر: واپسین روزهای زندگی مارینا تسوه‌تاووا» (The Date Of a Poat) نوشته ایرما کودرووا که به تازگی با ترجمه سحر حدیقه و از سوی نشر آفتابکاران به چاپ رسیده، شامل بخش‌هایی همچون رونوشت بازجویی م. تسوه‌تاووا در اداره پلیس فرانسه (۱۹۳۷)، یادداشتی از مارینا تسوه‌تاووا (۱۹۴۰)، نامه تسوه‌تاووا به استالین و چهار فصل به نام‌های «بولشو» و «یولیانکا»، «دوزخ نانسان‌ها» و «یلا‌بوگا» است. در مقدمه ناشر بر کتاب آمده که در عرصه شعر معاصر جهان، خانم مارینا تسوه‌تاووا شاعر بزرگ روس (۱۸۹۴-۱۹۴۱) در شمار آن دسته شاعرانی است که، به‌جز ایامی چند از دوران زندگی‌اش، در باقی عمر هرگز سقف محکمی بالای سرش نداشته است. سروده‌های تمام عمر تسوه‌تاووا، به تعبیر هایکو نویسان سرشار از عنصر «واپی/ سابی» است. واپی سابی در اصطلاح هایکو دلالت دارد بر عنصر اصلی هایکو، یعنی روح و جان‌مایه اصلی و تفکر بر انگیز و شاعرانگی آن‌که هایکو قوی را از هایکو ی ضعیف متمایز می‌کند و روح جاودانگی را در آن می‌دمد.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «تسوه‌تاووا در یلا‌بوگا به چیز زیادی نیاز نداشت. حداقل کاری